

ایمن‌سازی فضاهای بی‌دفاع شهری برای پیشگیری از وقوع جرائم با تأکید بر

طراحی محیطی (مورد مطالعه: شهر یاسوج)

مجید ریاحی پور^۱، محسن کلانتری^۲، عیسی پیری^۳

تاریخ دریافت: 1399/11/09

از صفحه 133 تا 162

بزه‌نامه جغرافیای انتظامی

تاریخ پذیرش: 1399/08/10

سال هشتم، شماره سی و یکم، پاییز 1399

چکیده

امروزه توجه به مفهوم امنیت شهروندان و روش‌های ارتقاء آن، به‌عنوان یکی از اولویت‌های اساسی حرفه‌مندان و نظریه‌پردازان شهری تبدیل شده است. جدای از اثرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از برنامه‌ریزی و طراحی محیط‌های امن شهری بر الگوهای رفتار شهروندی و بهبود کیفیت محیطی نواحی سکونتی، تبیین ویژگی‌ها و اثرات مترتب بر نقش کالبدی شهر بر کاهش جرائم شهری و یا کاستن از وقوع جرم، موضوع مستقل و با اهمیتی است که در قالب نظریه‌های نوین شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری بدان اشاره می‌شود؛ بنابراین توجه به نقش کالبدی شهر (برنامه‌ریزی و طراحی شهری) در کاهش و پیشگیری از جرائم شهری اهمیت اساسی دارد و بایستی مفاهیم، اصول، پارادایم‌ها و راهبردهای مربوط به آن، مورد اشاره قرار گیرد.

هدف از این پژوهش بررسی و تحلیل مفاهیم و اصول مرتبط با رویکرد ایمن‌سازی فضاهای بی‌دفاع شهری برای پیشگیری از وقوع جرائم با تأکید بر طراحی محیطی در شهر یاسوج است و روش آن، توصیفی-تحلیلی است که برای تدوین راهبردهای منفعل‌سازی کانون‌های جرم‌خیز و تشریح قوت‌ها، فرصت‌ها، آرمان‌ها و نتایج از تکنیک SOAR استفاده شده است.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که توجه به اصول و شاخص‌های طراحی بهینه محیطی از جمله نظارت شهرداری بر تأسیسات و امکانات، توزیع متعادل کاربری‌ها، توجه به کاربری اراضی شهر و مکان‌یابی کاربری‌ها، سازگاری کاربری‌های شهری، استفاده از دوربین‌های مداربسته و روشنایی فضاهای شهری و ... می‌تواند در کاهش وقوع جرائم و ایمن‌سازی فضاهای بی‌دفاع نقش بسزایی ایفا کند؛ و در نهایت متناسب با تکنیک SOAR در ایمن‌سازی و طراحی فضاهای بی‌دفاع شهری، (۴۰) راهبرد ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: ایمن‌سازی، فضاهای بی‌دفاع شهری، جرائم شهری، طراحی محیطی، یاسوج

1- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیا دانشگاه زنجان، زنجان، ایران. (نویسنده مسئول).
majid.riyahipoor@gmail.com

2- دانشیار دانشکده علوم زمین، گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

3- استادیار دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیا دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

فضای شهری بیشترین ارتباط را با مردم و محیط زندگی برقرار می‌کند و در نتیجه نقش بسزایی در هویت بخشی و احساس آرامش به شهروندان دارد. زیبایی، آراستگی، پاکیزگی و انسجام بخشی از ویژگی‌ها و معیارهای مهم ارزیابی شهر آرام بخش است. شهرهای امروز با تمام امکانات جدید، همانند گذشته قادر به تأمین آرامش و امنیت شهروندان نیستند. آن‌ها به دلیل تمرکز بالای جمعیت و فعالیت‌های خارج از مقیاس انسانی و فراوانی ماشین؛ به تدریج، از شاخص‌های آرامش و امنیت فضای شهری فاصله گرفته‌اند. در جوامع امروزی محیط‌های نامطلوب شهری مشکلات بسیاری را برای امنیت شهروندان ایجاد کرده و در رشد آسیب‌های اجتماعی مؤثر بوده‌اند. با گسترش این آسیب‌ها، امنیت رنگ می‌بازد، جرائم بالا می‌رود، مردم در کنش‌های اجتماعی محتاطانه عمل کرده و با هر اتفاقی ترس و دلهره در آنان دوچندان می‌شود و در نتیجه احساس ناامنی می‌کنند (حبیب، ۱۳۷۷).

یکی از عوامل تأثیرگذار که در دهه‌های اخیر مورد توجه شهرسازان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان محیطی قرار گرفته، فضاهای شهری و بالطبع فضاهای بی‌دفاع شهری هستند. شاید بتوان گفت که در هر فضای شهری مفروض، مقدار معینی از خشونت وجود دارد؛ اما خشونت‌ها در سطح شهر به‌طور تصادفی توزیع نشده‌اند؛ چراکه فضاهایی با عنوان آلوده یا بی‌دفاع، محل اتفاق افتادن انواع و اقسام خشونت‌ها هستند، در حالی که در محل‌های دیگر هیچ‌گونه خشونتی رخ نمی‌دهد یا خشونت کمتری رخ می‌دهد (واپیت و سوتون: ۱۹۹۵: ۸۵).

مطالعه در زمینه ارتباط محیط و خشونت به اوایل قرن نوزدهم بازمی‌گردد که بیشتر ارائه الگوهای منطقه‌ای از جرائم و مقایسه مناطق شهری و روستایی و پیمایش در زمینه ارتباط جرائم با دیگر ویژگی‌ها اجتماعی و اقتصادی بود که در ابتدا توسط «گوری»^۱ (۱۸۳۳) فرانسه و در بلژیک توسط «کتله»^۲ (۱۹۸۲) صورت گرفت. سپس در رشته‌های مختلف مطالعاتی بسط یافت؛ اما در ادامه این گسترش توجه به نقش فضاهای جرم‌خیز یا بی‌دفاع در وقوع خشونت یا جرائم در کارهای جرم‌شناسان محیطی، طراحان شهری،

1- A.M. Guerry

2- Adolphe Quetelet

جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و به‌خصوص روان‌شناسان محیطی و دیگر رشته‌های مطالعاتی مرتبط با جرائم و خشونت با دو رویکرد متفاوت دنبال شد که هر رویکرد در مطالعه رابطه فضاهای محیط با جرائم بر نظریه‌های خود پافشاری می‌کردند. رویکرد اول تأکید بیشتری بر محیط فیزیکی داشت و بیشتر از سوی، شهرسازان و معماران مطرح شد. «جاکوبس» (۱۹۶۱)، «جفری» (۱۹۷۱) و «نیومن» (۱۹۷۲) در پژوهش‌های خود درباره خشونت و محیط فیزیکی با تأکید بر طراحی فیزیکی، تأکید کردند. فضاهای شهری حامل معانی و نمادهای خاص خود هستند و از این طریق می‌توانند تأثیر عمیقی بر تفسیر افراد از موقعیت‌های خود و واکنش نسبت به موقعیت‌های قرارگیری داشته باشند. فضاهای شهری به‌عنوان یک متغیر مستقل، قادر به مداخله در ماهیت و اندازه خشونت در شهر هستند. آن‌ها اندیشه خود را در قالب فضای قابل دفاع (ابتدا توسط جاکوبس ۱۹۶۱ و سپس نیومن ۱۹۷۲) مطرح کردند (تیموتی، ۲۰۰۶: ۱۷۴).

اما رویکرد دوم، محیط اجتماعی و ویژگی‌ها اجتماعی فضاهای را با اهمیت می‌داند. این رویکرد از سوی جامعه‌شناسان و روان‌شناسان مطرح شد و به‌طور گسترده‌ای در آمریکا و در کارهای مکتب شیکاگو توسعه یافت. توضیح مدل بوم‌شناختی و روش‌شناختی جرائم شهری به وسیله مکتب شیکاگو در بین دهه‌های (۲۰) و (۶۰) قرن بیستم گسترش یافت. نظریه منطقه‌ای رشد و گسترش شهر به‌وسیله «رابرت پارک» و «ارنست برگس» آن‌ها را قادر به ترسیم دقیق مرزهای جرائم در نقشه‌شان و توضیح علت تمرکز جرائم در منطقه انتقالی کرد. «کلیفورد شاو» و «هنری مک‌کی» با استفاده از این چارچوب مفهومی به مطالعه رابطه بین انحرافات جوانان، اعضاء دسته‌های جنایتکار و بی‌سازمانی اجتماعی شهری پرداختند. جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو به مطالعه رابطه بین ساخت فیزیکی شهر با نظام اخلاقی آن پرداختند. به همین دلیل، از سال (۱۹۲۵) تا (۱۹۴۰) پیروان مکتب شیکاگو با هدف درک تأثیر عوامل اجتماعی و بوم‌شناختی بر بی‌سازمانی و رفتارهای خشونت‌آمیز و انحرافی، رابطه نرخ‌های جرم و بزهکاری نظیر خودکشی، طلاق، فحشا، الکلیسم، اعتیاد و دیگر انواع خشونت‌ها را با فضای درون‌شهری مطالعه کردند (احمدی، ۱۳۷۷: ۵۷).

در فرآیند شکل‌گیری و بروز رفتارهای خشونت‌آمیز عوامل متعددی نقش دارند. از جمله مهم‌ترین آن‌ها فضاهای (مکان‌ها یا محیط) بی‌دفاع هستند. فضاهای بی‌دفاع

شهری از جمله فضاهایی هستند که به دلیل ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی، فرصت بزهکاری و خشونت در آن‌ها بالاست. این فضاها محصول تعامل پیچیده‌ای هستند که فقدان موانع نمادین و واقعی، عدم تحریف حوزه‌ای مشخص و امکانات نظارتی اعم از نظارت طبیعی، اجتماعی و فیزیکی، موجب شده میزان جرائم و آسیب‌های اجتماعی در آن‌ها قابل توجه باشد (نایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹).

مطالعه و تعمق در گزارش خشونت‌ها نشان می‌دهد که فضاهای بی‌دفاع در بروز خشونت‌های شدید، به‌خصوص خشونت‌های پیوسته، یکی از عامل‌های اساسی هستند. همچنین، فضاهای بی‌دفاع عامل مهمی در پایین آوردن کیفیت زندگی هستند. از سوی دیگر، باید این مسئله را مدنظر داشت که امنیت و آسودگی دو عامل اساسی حیات بشری هستند؛ چنانکه «لبتون» در مدل خود که برای درک محیط ساخته‌شده، نیازهای اساسی انسان را شرح می‌دهد و امنیت را به‌عنوان نیاز اساسی انسان‌ها در نظر می‌گیرد. مازلو نیز در سلسله‌مراتب نیازها که از قوی‌ترین تا ضعیف‌ترین را پیشنهاد کرده، بر نقش امنیت تأکید کرده است و آن را پس از نیازهای فیزیولوژیک، دوم قرار داده و مهم‌ترین نقش محیط ساخته‌شده و فضاها را ایجاد سرپناه و امنیت عنوان کرده است (لنگ، ۱۳۸۳: ۹۶).

لازمه داشتن یک جامعه فعال و پویا با ابعاد پایدار منوط به داشتن امنیت در آن است. این مسئله در کنار برآورد نیازهای اساسی از ارکان اصلی پایداری در رشد و توسعه شهرها نیز قلمداد شده است (کولتر و همکاران، ۲۰۱۰)؛ بنابراین امنیت شهری از دیدگاه‌های گوناگون در فضاهای شهری مورد ارزیابی قرار گرفته است و این مسئله نشان می‌دهد که عوامل متعددی می‌تواند ریشه در بروز ناامنی در فضاهای شهری داشته باشد (محمدی‌ده‌چشمه، ۱۳۹۲: ۶۵). مرکز اسکان بشر سازمان ملل در سال (۱۹۹۸)، روز جهانی اسکان (۱۱ فوریه هر سال) را با عنوان روز شهرهای امن‌تر برگزید.

هدف این برنامه شکل بخشی به شهرنشینی پایدار از طریق حاکمیت شهری و برنامه‌ریزی در راستای بازدارندگی از بحران‌ها و مخاطرات شهری با رویکرد مراکز سکونت‌ی عاری از جرم، جنایت و ناامنی است (وان دن بنگ، ۲۰۱۳) و این طرح به‌عنوان منشور اولیه جهانی برای ترفیع عدالت و امنیت شهری محسوب می‌شود (سازمان ملل: ۲۰۰۵). باین‌وجود تلاش‌های صورت گرفته در راستای برقراری امنیت شهری در

شهری با مجرم مقابله کرده‌اند. به‌جرت می‌توان گفت که در هر فضای شهری مفروض، مقدار معینی از خشونت وجود دارد؛ اما خشونت‌ها در سطح شهر به‌طور تصادفی توزیع نشده‌اند و برای داشتن نگرش بهتر به مبحث امنیت بایستی عوامل ایجاد ناامنی در فضاهای شهری را جستجو و مورد شناسایی قرار داد (نویدنیا، ۱۳۸۸: ۴).

شهر یاسوج مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد با جمعیت پیرامون حدود (۲۰۰) هزارنفری با مشکلات زیادی برای تأمین امنیت فضاهای شهری در نقاط مختلف شهر روبه‌رو است که بر کیفیت زندگی و سرزندگی مردم تأثیر نامطلوبی داشته است از جمله مهم‌ترین مشکلات و چالش‌های موجود در این شهر، رشد کالبدی بی‌رویه شهر، آشفستگی و نابسامانی کالبدی، آلودگی‌های محیطی، به‌هم‌ریختگی فضایی، فضاهای نامطلوب به همراه ایجاد حس ناامنی، ترس از بزه و بزه دیدگی، ترس از خشونت و دعوای خیابانی، سرقت، چاقوکشی، زورگیری، وندالیسم شهری و ... هستند. از این‌رو در این پژوهش محقق به دنبال آن است که به بررسی موضوع ایمن‌سازی فضاهای بی‌دفاع شهری برای پیشگیری از وقوع جرائم با تأکید بر طراحی محیطی شهر یاسوج بپردازد. این امر به آن دلیل دارای اهمیت است که امروزه در فرآیندهای طراحی فضاهای محیطی شهری کمتر به پتانسیل‌های بالقوه مناطق شهر و ساختمان‌ها، در کاهش یا جلوگیری از جرائم توجه می‌شود. رویکرد حاضر را می‌توان طراحی کارآمد و بهینه محیط مصنوع در کاهش جرائم شهری قلمداد کرد که در بهبود کیفیت زندگی و افزایش رضایتمندی شهروندی تأثیر بسزایی دارد و با طراحی مناسب و کاربری مؤثر از فضا و محیط ساخته‌شده برای کاهش اعمال مجرمانه، می‌توان بهره برد.

وجود محیطی امن و عاری از خشونت و جرم برای زندگی در کنار سایر نیازهای اساسی فیزیولوژیکی انسان مثل غذا سرپناه، بهداشت از ضروریات و نیازهای اصلی انسان است. در جهان امروز امنیت شهری یکی از مسائل موردتوجه در معماری شهرسازی و جامعه‌شناسی شهری است چراکه به این نتیجه رسیده‌اند که نباید فرد را در محیط فاقد امنیت رها کرد و از او توقع داشت که خودش از تمامیت، اموال و جان خود دفاع کند. (محسنی و همکاران، ۱۳۵۵: ۱۲۷) اهمیت سیاست‌های برنامه‌ها و تدابیر پیشگیری از جرائم با توجه به ناکارآمدی نظام عدالت کیفری در مبارزه با جرائم، غیرقابل‌انکار است.

یکی از انواع راهبردهای پیشگیرانه مکانیکی از جرم «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی»^۱ خلاصه است که نخستین بار توسط جرم‌شناس آمریکایی «سی.ری. جفری» در کتابی با همین نام ارائه شد. پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «طراحی مناسب و کاربری مؤثر از فضا و محیط ساخته‌شده که منجر به کاهش فرصت‌های مجرمانه، افزایش ترس از جرم و بهبود کیفیت زندگی می‌شود». این نظریه بر این اندیشه مبتنی است که رفتار انسانی در محیط، تحت تأثیر طراحی آن محیط قرار دارد. این نظریه تأکید دارد که با بهینه‌سازی فرصت‌های ناظر، تعریف مشخص و واضح از قلمرو و ایجاد تصویری مثبت از محیط می‌توان مجرمان را از ارتکاب جرم بازداشت.

مبانی نظری پژوهش

امنیت در فضای عمومی شهری

در فرهنگ فارسی عمید «امنیت» دارای معانی در امان بودن، آسودگی، آسایش و ایمنی است (عمید ۱۳۶۹: ۲۳۴). در فرهنگ آکسفورد، واژه «Security» به «در حفظ بودن، فراغت از خطر یا اضطراب و تشویش» معنی شده است (آکسفورد، ۱۹۹۴: ۳۲۰). انسان برای رسیدن به اهداف والای انسانی بعد از برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی نیاز به وجود امنیت و احساس امنیت دارد. برخی از کارشناسان احساس امنیت را در یک جامعه، مهم‌تر از وجود امنیت در آن می‌دانند؛ زیرا ممکن است در جامعه‌ای امنیت از لحاظ انتظامی و پلیس وجود داشته باشد؛ اما فرد احساس امنیت نکند. به عبارت دیگر، موضوع امنیت از فرد شروع و به خانواده، جامعه و در نهایت بین‌المللی ختم می‌شود (الماسی فر و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۴). «امنیت در فضاهای شهری اشاره به جریان آنومیکی علیه اشخاص و اموال آن‌ها دارد که در صورت عدم تأمین شرایط پیشگیری‌کننده، اموال و جان حاضران، عابران و ناظران را به صورت بالقوه و بالفعل تهدید خواهد کرد» (راست‌بین و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۰).

فضاهای بی‌دفاع اماکنی هستند که در بسیاری از موارد به کسی تعلق ندارند و در صورت داشتن مالک از آن‌ها نگهداری نمی‌شود؛ بنابراین فضاهایی مطمئن برای اعمال غیرمجاز و خشونت‌آمیز هستند. این فضاها بقایای زمین‌های اطراف ساختمان‌های مرتفع، میدان‌های بدون استفاده، پارکینگ‌ها و زمین‌هایی هستند که در حاشیه راه‌ها وجود دارند و بدون حضور انسان رها شده‌اند؛ هیچ‌کس به حفظ آن‌ها اهمیت نمی‌دهد و به‌ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرند (راجر، ۱۹۸۶: ۱۱۸). در تعریفی دیگر، فضاهای بی‌دفاع که امکان اتفاق افتادن آسیب اجتماعی در آن‌ها بیشتر از فضاهای دیگر است، فضاهایی هستند که از نظر حفاظتی مرده ولی از نظر اتفاق افتادن مسائل نابهنجار، فضاهایی فعال و زنده هستند. این فضاها معلول رخدادهایی هستند که در شهر رخ می‌دهند؛ زیرا به علت بزرگ شدن و یا بزرگ بودن شهر و فقدان نظارت مناسب فیزیکی و اجتماعی، فضاهایی به وجود می‌آیند که فعالیت‌های غیرمجاز و متعارض با هنجارهای جامعه در آن نقاط صورت می‌گیرد و اثرات نامطلوبی بر پیکر جامعه می‌گذارد و منجر به حادث شدن انواع خشونت‌ها می‌شوند (راپوپورت، ۱۳۸۴: ۵۸).

ویژگی‌ها فضاهای بی‌دفاع شهری

ویژگی‌ها فضاهای بی‌دفاع شهری عبارت‌اند از عدم برخورداری از روشنایی و نور کافی در ساعات مختلف، در معرض تخریب قرار گرفتن فضا، متروکه بودن فضا، نداشتن رؤیت بصری از فضاهای اطراف، شلوغ بودن فضا در ساعت خاص، فضایی بی‌نظم از نظر فیزیکی و فعالیت‌های جاری، دارای کنج و گوشه، تنگ و باریک، پرت و دورافتاده، دارای توالی و امتداد و نیز دارای تراکم ساختمانی. ویژگی اصلی فضاهای بی‌دفاع شهری فقدان یا کاهش امکانات نظارت اجتماعی و ایجاد امنیت برای وقوع انواع آسیب‌های اجتماعی و جرائم است (گزارش سازمان رفاه: ۱۳). ویژگی اصلی این فضاها فقدان عنصر نظارت اجتماعی است و در آن رفت‌وآمد کم است. فضاهای بی‌دفاع دارای کژکارکردهایی هستند که در اینجا چند مورد از کم‌ضررترین تا پرضررترین آن‌ها بدین شرح است:

حاشیه‌نشینی، کارتن‌حوابی، گذاشتن زباله، آدرار در فضای باز، نددی، محل تجمع ولگردها، انواع سرقت‌ها، تعرض به زنان و دختران و قتل.

جدول شماره (۱). شاخص‌های فضای بی‌دفاع شهری.

شاخص‌های حوزه کالبدی شهر		
ساختمان‌های رهاشده	استاندارد نبودن طراحی برخی مناطق	ویرانی خانه‌ها
ساختمان‌های نیمه‌کاره	نابسامانی برخی محیط‌های پرتردد	تراکم ساختمانی
معابر و گذرگاه‌های تنگ و نامناسب	ورودی‌های مشترک زیاد	بافت‌های فرسوده
بافت‌های جدا افتاده	فضاهای بدون متولی	اجاره پایین برخی مناطق
عدم ترمیم فیزیکی مناطق	فضاهای بدون دید	جاذبه‌های خاص برخی مناطق
مکان‌های بدون سکنه	فضاهای فاقد روشنایی	اختلال کاربری
گره‌های شهری	عقب‌نشینی‌ها و فرورفتگی‌ها	بی‌نظمی شکلی
سهولت فرار مجرمین	فضاهای بدون کارکرد	اختلال در تصویر شهری
ضعف خدمات تفریحی و فراغتی	زیرگذرها و زیر پل‌ها	بی‌نظمی در مبلمان شهری
ضعف خدمات شهری		زمین‌های رهاشده

در رابطه با فضاهای بی‌دفاع شهری نیز مطالعاتی انجام شده است که می‌توان به پژوهش «محسنی تبریزی و همکاران» سال (۱۳۹۰) در منطقه (۲۲) تهران اشاره کرد. آنان معتقدند راهکارهای معطوف به کاهش خشونت از طریق طراحی شهری باید بر هر دو بعد فیزیکی و اجتماعی فضاها، به‌طور هم‌زمان توجه کند تا بتواند بیشترین تأثیر را بر کاهش خشونت و جرائم از طریق طراحی شهری و مداخله در محیط اطراف بگذارد. ویژگی‌های مشاهده‌شده در فضاهای بی‌دفاع، از دیدگاه محققان در قالب جدول شماره (۲) آمده است.

جدول شماره (۲). ویژگی‌ها مشاهده‌شده در فضاهای بی‌دفاع.

ویژگی‌ها فیزیکی	ویژگی‌ها اجتماعی
کمبود و فقدان نور و روشنایی	عدم حضور یا استفاده مستمر
ساختمان‌های مخروبه	خلوتی
ساختمان‌های نیمه‌کاره	شلوغی
رؤیت بصری محدودشده	ازدحام
بی‌نظمی فیزیکی	خالی بودن از حضور انسان
فرصت‌های نظارت و کنترل محدود	عدم حضور مأمور یا مسئول
کنج و گوشه	بی‌نظمی فعالیتی
پیچ‌وخم	کاهش قابلیت‌های کنترل و نظارت از سوی مردم

ویژگی‌ها فیزیکی	ویژگی‌ها اجتماعی
محاط بودگی و محصوریت	کمی ارتباط مردم با فضا و نبودن این ارتباط
مجاورت با فضاهای نمایان	تراکم فعالیتی
تراکم ساختمانی	
کم بودن ساختمان	
نداشتن مرز و محدوده مشخص	
توالی و امتداد	
نقاط فرورفته و برآمده	

منبع: محسنی تیریزی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۶۱

نظریه پیشگیری جرم با کمک طراحی محیطی^۱

رویکرد دیگری در زمینه طراحی در دهه (۱۹۷۰) و (۱۹۸۰) با عنوان جلوگیری از جرم از طریق طراحی محیطی مطرح شد. این ایده بر اساس نظریه‌های «نیومن» (۱۹۷۲) و «ری جفری» (۱۹۷۱) انتشار یافت. این نظریه در دو نسل به تکامل رسید. نسل اول این نظریه به بررسی علمی راهبردهای سامانمند کاهش جرم از طریق کاهش فرصت‌های ارائه شده توسط محیط فیزیکی می‌پردازد. اصول این راهبردها شامل نظارت طبیعی، کنترل دسترسی، تقویت قلمروگرایی و جایگذاری مناسب کاربری زمین می‌شود (باکر، ۲۰۰۵) و اصول بنیادی نسل دوم مضاف بر اصول کالبدی، به عوامل اجتماعی نیز توجه داشت و راهبردهای خود را با استفاده از نگاه «جین جیکبس» به روابط با همسایه‌ها و جامعه محلی، ارائه داد. چهار راهبرد جدید عبارت‌اند از همبستگی اجتماعی، اتصال، فرهنگ اجتماعی و ظرفیت آستانه (توجه به فاکتورهای برنامه‌ریزی و طراحی) (ساویل و کلیولند، ۲۰۰۳).

به‌طور کلی سه نگرش عمده نسبت به پیشگیری از جرم و جنایت در محیط انسان‌ساخت وجود دارد. نگرش نخست، مشتمل بر «پیشگیری از جرم به‌وسیله طراحی محیطی» است که بر فرصت‌های جنایی تأکید داشته و می‌توان آن‌ها را از طریق تکنیک‌های برنامه‌ریزی و معماری کاهش داد و این تکنیک‌ها موجب فراهم کردن زمینه‌ای مشکل و پیچیده برای وقوع جرم و کاهش ترس از آن می‌شوند. نگرش دوم، دربرگیرنده «جلوگیری از جرم در مکان‌های ویژه» است. این نگرش به دنبال پرداختن

به کاهش جنایت در مکان‌های ویژه از طریق ترکیب راهبردهای فیزیکی و سازمانی پیشگیری از جرم نظیر سیاست‌گذاری در اجتماع و پیشگیری از جرم در اجتماع می‌باشد. نگرش بالا مفهوم طراحی را با تغییرات صورت گرفته در مدیریت و استفاده از مکان ترکیب می‌کند. نگرش سوم، مشتمل بر سیاست‌های مکانی جلوگیری از جرم می‌باشد که پیش‌تر در بریتانیا گسترش یافته است. هدف این نگرش، کاهش سطوح جرم و جنایت با کمک از میان بردن یا مسدود کردن فرصت‌های جرم و جنایت می‌باشد. این نگرش بر روی محیط و مکان جرم با گسترش اقدام‌ها و کاهش فرصت‌های جنایی متمرکز می‌شود. با تفاوت‌هایی که میان این سه نگرش وجود دارد؛ نکته اشتراک میان آن‌ها، تمرکز آن‌ها بر روی محیطی است که جرم در آن اتفاق می‌افتد و بحث و استدلال در مورد طراحی و مدیریت این مکان‌ها به‌منظور جلوگیری از جرم می‌باشد.

در سال (۱۹۷۱) هنگامی که پژوهش «پیشگیری از جرم با کمک طراحی محیط»^۱ را «ری جفری»^۲ برای اولین بار منتشر کرد؛ نقطه عطفی در ارتباط با بررسی ناهنجاری‌های اجتماعی و رفتارهای نابهنجار پدید آمد؛ زیرا این مقوله تا قبل از آن در حوزه مباحث جرم‌شناسی قرار می‌گرفت (رابینسون، ۱۹۹۶: ۱). به‌طوری‌که در دهه (۱۹۷۰) و اوایل (۱۹۸۰) شاهد ظهور «جغرافیای مختلف جرم»^۳ هستیم که در پی کندوکاو اکولوژی اجتماعی جرم هستند و کانون تمرکز خود را بر روی موقعیت، فضا، مکان و قلمرو متمرکز ساخته‌اند (پیلی، ۱۹۷۴؛ هارس، ۱۹۷۴؛ داویدسون، ۱۹۸۱). «متاو»^۴ در سال (۱۹۹۶) مقاله‌ای در خصوص بررسی علل نفوذ نظریه جفری ارائه داد. وی در این مقاله ضمن بررسی ریشه‌های نظریه جفری، عکس‌العمل‌های متفاوت دولتمردان، معماران و شهرسازان، اشخاص حقوقی و دانشگاهی و مسئولان را به نظریه مزبور بررسی کرد. این عکس‌العمل‌ها، طی مدت بیست و پنج سال به مفهوم کلی نظریه‌ای با عنوان «پیشگیری از جرم با کمک طراحی محیط» تبدیل شد و سیر تکاملی یافت. در چارچوب این مجموعه نظریه، تلاش زیادی برای فهم رابطه شرایط محیطی و جرم به عمل آمد (صالحی، ۱۳۸۸: ۱۲۸-۱۲۹). این نگرش مشتمل بر طراحی و

1- CPTED

2- C. Ray Jaffery

3- Several geographies of crime

4- Matthew

مُدیریت محیط کالبدی به‌منظور کاهش فرصت‌های جرم، جنایت و بزهکاری می‌باشد. به‌علاوه این نگرش بر اساس این فرض استوار است که مجرمان و بزهکاران قبل از آنکه مرتکب جرم شوند، وارد یک فرآیند تصمیم‌سازی منطقی می‌شوند. در واقع مجموعه نظریه‌های پیشگیری از جرم با کمک طراحی محیط، پیشنهاد روش‌شناسی برنامه‌ریزی و طراحی مجدد محیطی است که بر اساس آن، معماران و شهرسازان می‌توانند مجال ترس از جرم و تبهکاری را کاهش داده و کیفیت زندگی را بهبود بخشند (اطلس، ۱۹۹۹: ۱۱). بدین ترتیب نظریه پیشگیری از جرم با طراحی محیط به‌طور معناداری از راهکارهایی که پلیس، دادگاه و نظام تربیتی دستگاه‌های قضایی به کار می‌گیرند، متفاوت است و در سالیان اخیر به‌عنوان دیدگاهی فیزیکی-اجتماعی در چارچوب جرم‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری نمایان شده است. این دیدگاه همواره در معرض اصلاح و ارزیابی است و بر مبنای چهار راهبرد کلیدی مشتمل بر تملک قلمرو، نظارت طبیعی، حمایت فعالیت‌ها و کنترل دسترسی‌ها بنا نهاده شده است (کوزنس، ۲۰۰۲: ۱۳۲).

جدول شماره (۳). ارتباطات بین فضای قابل دفاع و پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی.

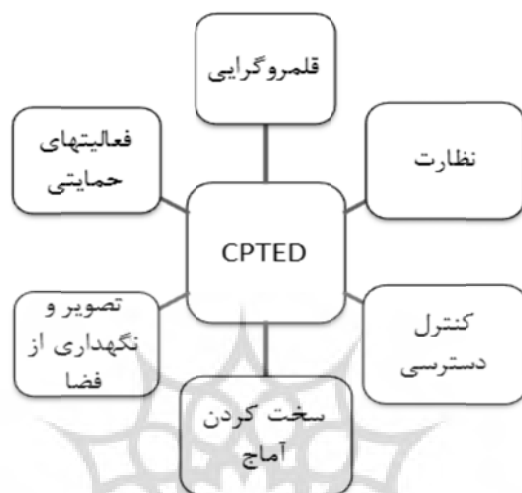
اصول فضای قابل دفاع (نیومن)	راهبردهای پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی (کراو)
قلمرو/ تعریف مرز	تعاریف لبه/خط مرزی از فضای کنترل شده
قلمرو/ تعریف خط مرزی/ کنترل دسترسی	مناطق انتقالی به‌طور واضح مشخص شده
نظارت/ کنترل دسترسی	توجه هدایت‌شده به جمع‌کردن نواحی
سیما و محیط: پیدایش فعالیت	قرار دادن فعالیت‌های امن در ناحیه‌های ناامن
سیما و محیط: پیدایش فعالیت	قرار دادن فعالیت‌های ناامن در ناحیه‌های امن
تعریف خط مرزی/ کنترل دسترسی	کاستن تعارضات کاربری با خط مرزهای طبیعی
هیچ	زمان‌بندی بهتر فضا
نظارت	افزودن درک نظارت طبیعی در فضاها با طراحی
هیچ	غلبه کردن بر فاصله و انزوا با ارتباطات

منبع: آشنایدر و تدکینچن، ۲۰۰۲، ص ۱۰۱.

اصول رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی

نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی بر این مبنا بیان شده است که می‌توان با طراحی مناسب و کاربری مؤثر محیط، از ارتکاب جرم پیشگیری کرده و علاوه بر بهبود کیفیت محیط زندگی بر ترس ناشی از جرم نیز غلبه کرد (کراو ۲۰۰۰: ۴۶). بر اساس مستندات، تجربیات و آراء اندیشمندان جهانی در این زمینه، می‌توان به اصولی اشاره

کرد که به عنوان میانی در طراحی محیطی مورد استفاده قرار می گیرند. به کارگیری این اصول و مفاهیم تشکیلی آن نقش مهم و اساسی در طراحی محیطی و ایمن سازی فضاهای بی دفاع شهری بازدارنده و کاهش جرائم شهری دارد که این اصول عبارتند از:



شکل شماره (۱). اصول اصلی رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (فتحنی، جهادی و رئوف، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲).

الف) قلمروگرایی: تشویق و ترغیب شهروندان برای استفاده هر چه بیشتر از فضاها و نیز افزایش حس مالکیت آن‌ها به طوری که فرد مجرم آن را درک کرده و باعث کاهش آسیب پذیری محیط در مقابل جرم شود (رضازاده و خیبر، ۱۳۸۵: ۶۰).

ب) نظارت طبیعی: نظارت ملی به معنای توانمندسازی محیط شهری از طریق در معرض دید قرار گرفتن و آسانی نظارت است (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۷).

ج) کنترل دسترسی: کنترل دسترسی، طراحی یک ایده است که سبب کاهش فرصت بزهکاری می شود (اطلس، ۲۰۰۲: ۶۱).

د) سخت کردن آماج جرم: این نظریه به این معناست که آماج‌ها و اشیایی که به طور معمول مورد تخریب یا سرقت واقع می شوند، به نحوی طراحی شوند که در برابر جرم مقاوم بوده و از تخریب یا سرقت مصون بمانند (مرتضایی، ۱۳۸۱: ۱۴).

ایمن‌سازی فضاهای بی‌دفاع شهری برای پیشگیری از وقوع جرائم با تأکید بر طراحی محیطی... 145

◇ (ه) **نصوبیر و نگهداری فضا:** مدیریت و نگهداری معابر، فضاهای کالبدی و تجهیزات و تأسیسات شهری از موضوع‌های مهم پیشگیری بزهکاری است؛ چراکه وجود آثار خراب‌کاری در یک محل سبب می‌شود تا محل ناامن جلوه کند (موسسه برنامه‌ریزی سرکیسیان، ۱۳۹۰: ۵۰).

(و) **فعالیت‌های حمایتی:** فعالیت مردم در ساعات شبانه‌روزی باید فرصتی برای افزایش نظارت‌های طبیعی باشد. به عبارتی فعالیت پشتیبانی (حمایتی) شامل استفاده از طراحی به‌منظور تشویق ساکنان در جهت استفاده و حضور بیشتر در فضاهای عمومی است (محمودی‌جانکی و قورچی‌بیگی، ۱۳۸۸: ۳۶۳).

نظریه نحو یا چیدمان فضا^۱

نظریه دیگری با عنوان چیدمان فضا در دهه (۱۹۸۰)، توسط «هیلیر» و «هنسون» با نگاهی ریخت‌شناسانه به شهر، به بررسی روابط بین فضاها پرداخت. در این نظریه بحث می‌شود که چگونه شکل فضایی شهر، روابط را از طریق جریان حرکت (به‌خصوص پیاده) تعیین می‌کند و بر الگوی کاربری زمین و تراکم شهری اثر می‌گذارد. چیدمان فضا به‌طور ویژه بر آنچه مردم می‌بینند و درک این امر که توسط دیگران دیده می‌شوند، اشاره دارد. همچنین بیان می‌کنند که نظارت همسایگان در طول یک مسیر، بسیار بااهمیت‌تر از دیده‌شدن از هر نقطه از راه یا حتی خانه خود فرد است (اشنایدر، ۲۰۰۷). محققان دانشگاه لندن با استفاده از این نظریه نشان دادند که در فضاهایی که دارای ارتباط بیشتری با دیگر فضاهای شهر می‌باشند و حرکت بیشتری درون آن‌ها رخ می‌دهد، ایمن‌ترین فضاها می‌باشند (کوزنس، ۲۰۰۲). در همین زمینه «پارک» معتقد است نواحی شهری از پیشرفت و بهبود انگیزه‌های ساکنان جلوگیری می‌کند و باعث رواج انحراف‌های اجتماعی می‌شود. در واقع او به چگونگی طراحی و سازمان فیزیکی شهر اشاره می‌کند که بر الگوهای فرهنگی-اجتماعی زندگی شهری تأثیری عمیق می‌گذارد (بیانلو، ۱۳۸۵: ۳۷).

اگر اولین بحث‌ها پیرامون رابطه جرم و فضای شهری در شهر شیکاگو و توسط مکتب شیکاگو در دهه‌های (۲۰) و (۹۰) میلادی شکل گرفت؛ اما اولین نظریه‌های منسجم که بر جنبه محیطی جرائم تأکید داشتند در دهه (۶۰) میلادی شکل گرفتند. این نظریه‌ها در طی سالیان بعد بسط و توسعه‌ای بیشتر یافتند تا جایی که خود به یکی از شاخه‌های اصلی جرم‌شناسی مبدل شدند. این نظریه‌ها به دو بخش تقسیم شده‌اند. در این بخش به «جرائم مکان محور» اشاره شده است. در قسمت ابتدایی به هشت نظریه کلاسیک اشاره شده که عبارت‌اند از:

۱- فضاهای قابل دفاع^۱؛ ۲- نظریه پنجره‌های شکسته؛ ۳- پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی؛ ۴- پیشگیری موضعی از جرم؛ ۵- نظریه انتخاب عقلانی؛ ۶- نظریه فعالیت روزمره؛ ۷- نظریه الگوی جرم و ۸- جرم‌شناسی محیطی.

اما در اوایل دهه (۳۰) میلادی رویکردی جدید در جرم‌شناسی محیطی پدید آمد که منجر به ظهور مفاهیم و روندهایی جدید در این حیطه شد. این مفاهیم با عنوان دو نظریه جدید تشکیل و انسجام یافتند:

الف) نظریه گرامر فضا^۲؛

ب) شهرگرایی جدید^۳ (راپوپورت، ۱۳۸۴: ۶۸-۶۹).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

1- Defensible space
 2- Space Syntax Theory
 3- New Urbanism

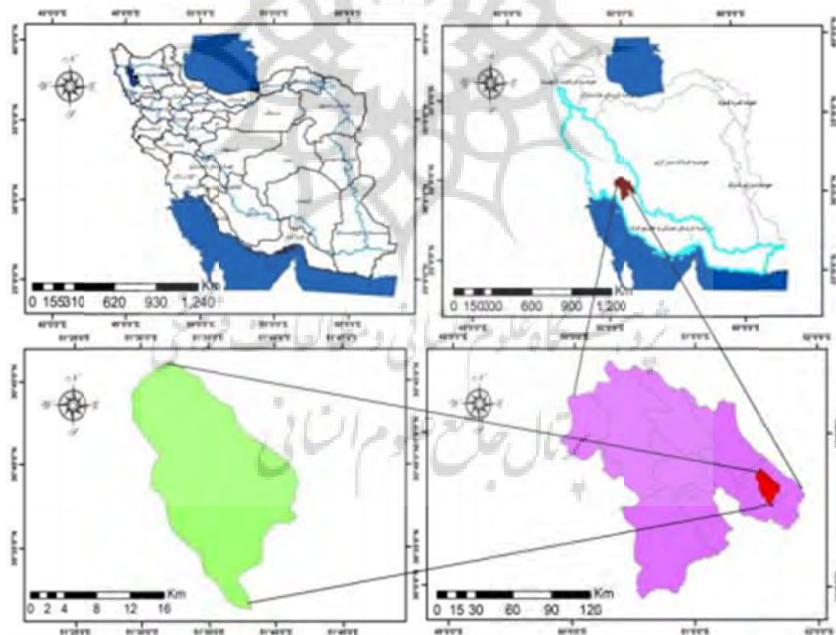
عوامل مؤثر بر ناامنی	مؤلفه	بعد		
اندازه	مقیاس بیکران، خلوتی، ازدحام.		کابرد	ایمنی
فرم	شکل بدنه، اختلاف سطح در کف، L و U کنج‌ها، فضای ورودی پیش‌آمده یا پس‌نشسته.			
آلودگی نمادی و خوانایی: اطلاعات محیطی مبهم و گمراه‌کننده، خلأ اطلاعات.	آلودگی دیداری: ناهماهنگی در ریتم نما، احجام ساختمانی، دیوارنویسی‌های ناهنجار، اغتشاش در سطح، در کف‌سازی و مبلمان شهری.	آلودگی بصری و نمادی		
آلودگی نور: نبود روشنایی، لامپ‌های سوخته و شکسته، گوشه‌های تاریک.	آلودگی صوتی، وجود مواد زائد جامد در محیط؛ زیاله‌های رهاشده، نخاله‌ها، امکانات بهداشتی نامناسب.	آلودگی محیطی		
ایمنی مسکن	عدم مقاومت مسکن در برابر حوادث، عدم وجود عناصر سازه‌ای مطمئن، استفاده از مصالح کم‌دوام و بی‌دوام، نبود امکان خدمات‌رسانی به واحدها در شرایط بحرانی و ناامنی.	توده	عملکرد	عینی
کیفیت مسکن	تراکم‌های خیلی زیاد و خیلی کم، ساختمان‌های تخریبی، تراکم زیاد خانوار در واحد مسکونی، تراکم زیاد نفر در اتاق.	کیفیت مسکن		
کیفیت کاربری و خدمات	زمین‌های رهاشده، مکان‌های متروک، فضاهای بدون کارکرد، کاربری‌های غیرفعال در ساعاتی از روز و عدم حضور ساکنان، تمرکز کاربری‌ها در یک نقطه و از رونق افتادن سایر نقاط.	توده و فضا		
معنای محله امن	عدم سازگاری میان فرم، کارکرد و معنا، عدم وجود حس تعلق.	محله	معنا	آسایش ذهنی

منبع: دهقان و مندگاری، ۱۳۸۹، ص ۵۷.

قلمرو پژوهش

شهر یاسوج از نظر سیاسی و تقسیمات کشوری، مرکز شهرستان بویراحمد و مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد است. محدوده این شهر در بلندی (۱۸۸۰) متری از سطح دریا، در

محتصات (۵۱) درجه و (۴۱) دقیقه طول جغرافیایی و در (۱۰) درجه و (۵۰) دقیقه عرض جغرافیایی قرار دارد (شکل شماره ۱). جمعیت شهر یاسوج طبق آخرین سرشماری در سال (۱۳۹۵) برابر با (۱۳۴۵۳۲) نفر می‌باشد. جمعیت شهر یاسوج طی دوره زمانی (۴۵) ساله از (۹۳۱) نفر در سال (۱۳۴۵) به (۱۳۴۵۳۲) نفر در سال (۱۳۹۵) افزایش یافته است. به موازات افزایش جمعیت و با توجه به شکل‌گیری نامتوازن محله‌های شهری از جمعیت‌پذیری مهاجر ناهمگون و رشد جمعیت، زمینه‌های افزایش آسیب‌های اجتماعی و جرائم شهری و محیطی به همراه توسعه ناموزون و کالبدی شهر رو به افزایش بوده است. در نتیجه آمار جرائمی مانند نزاع‌های دسته‌جمعی، سرقت، مزاحمت‌های خیابانی، توزیع و مصرف موادمخدر، وندالیسم شهری، تخریب اماکن عمومی و ... به شکل قابل توجهی افزایش یافته است. در بررسی‌های به عمل آمده و گزارش‌های اعلام‌شده توسط مراجع مرتبط از دهه (۱۳۴۵) تا (۱۳۵۵) آمار این جرائم و آسیب‌ها به تعداد انگشت‌شماری بوده ولی با افزایش مهاجرت و رشد جمعیت تاکنون به‌طور میانگین تا (۲۰۰) درصد افزایش پیدا کرده است.



شکل شماره (۲). موقعیت شهر یاسوج.

هدف از پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل مفاهیم و اصول مرتبط با رویکرد ایمن‌سازی و طراحی فضاهای بی‌دفاع شهری و نقش آن در کاهش وقوع جرائم شهری است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است که برای تدوین و تشریح قوت‌ها، فرصت‌ها، آرمان‌ها و نتایج از تکنیک SOAR استفاده شده است. تکنیک SOAR ترکیبی از راهبرد «سوات»^۱ و دیدگاه «مثبت‌شناسی»^۲ است که «ژاکلین ام استاورس» آن را ابداع کرده است (خاوریان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۲). نتایج به‌دست‌آمده این پژوهش نشان می‌دهد که ایمن‌سازی و طراحی فضاهای بی‌دفاع شهری از طریق طراحی محیطی در اثرپذیرسازی جرائم شهری دارای (۲۹) عامل (قوت، فرصت، آرمان و نتیجه) است و متناسب با تکنیک SOAR در ایمن‌سازی و طراحی فضاهای بی‌دفاع شهری، (۴۰) راهبرد ارائه شده است. در نهایت راهکارهایی را به‌منظور ایجاد و بهبود هرچه بیشتر این فضاها و کاهش وقوع جرائم شهری ارائه می‌دهد.

دیدگاه مثبت‌شناسی، در یک برنامه‌ریزی راهبردی، به‌جای تمرکز بر ضعف‌ها و تهدیدها، به شناسایی و ایجاد قوت‌های کنونی و فرصت‌های سودبخش می‌پردازد. در فرآیند سنتی برنامه‌ریزی راهبردی (راهبرد سوات به‌عنوان نمونه‌ای از آن که مشتمل بر قوت‌ها و فرصت‌ها و ضعف‌ها و تهدیدهاست)، چنانچه بخواهیم به لحاظ نظم فکری آن را به دو بخش مساوی تقسیم کنیم، باید (۵۰) درصد از زمان خود را به نقاط مثبت و (۵۰) درصد بقیه را به نقاط منفی اختصاص دهیم. انسان ذاتاً به تقویت و تمرکز بر نقاط منفی گرایش دارد. در نگرش مثبت‌شناسی، نقاط مثبت و فرصت‌ها را تا آنجا رشد می‌دهیم که بتوانیم از طریق آن ضعف‌ها و تهدیدها را پوشش دهیم. SOAR برخلاف مدل‌های گذشته، از یک روند برنامه‌ریزی پایین به بالا پیروی می‌کند (خاوریان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۰).

راهبرد SOAR شامل چهار بخش کلیدی است که شامل شناسایی قوت‌ها، فرصت‌ها، آرمان‌ها و نتایج می‌شود. در جدول شماره (۵)، این چهار مرحله مشاهده می‌شود.

1- SWOT

2- AI

تحقیق راهبردی	قوت‌ها ^۱	فرصت‌ها ^۲
بزرگ‌ترین دارایی‌ها و جنبه‌های مثبت ما چیست؟ بهترین فرصت‌های ممکن پیش روی ما چیست؟		
تصمیم‌های مثبت	آرمان‌ها ^۳	نتایج ^۴
آینده مطلوب و آرمانی ما چیست؟		بهترین نتایج قابل اندازه‌گیری چیست؟
خاوریان؛ استاورس؛ علیان، ۱۳۹۵، ص ۱۳۵.		

جدول شماره (۶). تحلیل رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی بر اساس تکنیک SOAR.

تحقیق راهبردی	قوت‌ها	فرصت‌ها
۱- تشویق و ترغیب شهروندان برای استفاده هر چه بیشتر از فضاها و نیز افزایش حس مالکیت؛ ۲- نظارت طبیعی به معنای توانمندسازی محیط شهری از طریق در معرض دید قرار گرفتن؛ ۳- کنترل دسترسی به واسطه کاهش پتانسیل دسترسی به مناطق برای جرم خیز و ارتکاب جرم؛ ۴- مقام‌سازی اشیا یا مکان‌هایی که مورد ارتکاب جرم قرار می‌گیرند؛ ۵- مدیریت و نگهداری معابر، فضاهای کالبدی و تجهیزات و تأسیسات شهری؛ ۶- ترغیب مردم به انجام برخی فعالیت‌ها در فضاهای عمومی.	۱- تشویق و ترغیب شهروندان برای استفاده هر چه بیشتر از فضاها و نیز افزایش حس مالکیت؛ ۲- نظارت طبیعی به معنای توانمندسازی محیط شهری از طریق در معرض دید قرار گرفتن؛ ۳- کنترل دسترسی به واسطه کاهش پتانسیل دسترسی به مناطق برای جرم خیز و ارتکاب جرم؛ ۴- مقام‌سازی اشیا یا مکان‌هایی که مورد ارتکاب جرم قرار می‌گیرند؛ ۵- مدیریت و نگهداری معابر، فضاهای کالبدی و تجهیزات و تأسیسات شهری؛ ۶- ترغیب مردم به انجام برخی فعالیت‌ها در فضاهای عمومی.	۱- مردمی کردن امنیت؛ ۲- تبدیل کانون‌های جرم‌خیز به فضاهای مقاوم در برابر جرم؛ ۳- افزایش سرمایه‌های اجتماعی در شهر، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، ارتباطات اجتماعی و اعتماد اجتماعی؛ ۴- زمینه‌سازی برای توسعه پلیس جامعه‌محور در شهر؛ ۵- کاهش هزینه‌های مقابله با جرم؛ ۶- کاربرد صحیح معماری در شهرسازی؛ ۷- باززنده‌سازی مفهوم محله در شهر؛ ۸- بازسازی بافت‌های فرسوده شهری؛ ۹- گامی در جهت حکمروایی خوب شهری.
تصمیم‌های مثبت	آرمان‌ها	نتایج
۱- ایجاد مأمین شهر؛ ۲- افزایش امنیت اجتماعی به منظور افزایش امنیت ملی کشور؛ ۳- افزایش مشروعیت نظام؛ ۴- افزایش مشارکت سیاسی شهروندان؛ ۵- ممانعت از استفاده ابزاری امپراتوری رسانه‌ای از معضلات ناشی از ناامنی؛ ۶- ممانعت از برخورد قهرآمیز پلیس و افزایش حقوق شهروندی؛ ۷- پرکردن حفره‌های دولت؛ ۸- کاهش کنش‌های شخصی امنیتی مانند قاچاق و خرید غیرقانونی اسلحه در شهرهای مرزی.	۱- ایجاد مأمین شهر؛ ۲- افزایش امنیت اجتماعی به منظور افزایش امنیت ملی کشور؛ ۳- افزایش مشروعیت نظام؛ ۴- افزایش مشارکت سیاسی شهروندان؛ ۵- ممانعت از استفاده ابزاری امپراتوری رسانه‌ای از معضلات ناشی از ناامنی؛ ۶- ممانعت از برخورد قهرآمیز پلیس و افزایش حقوق شهروندی؛ ۷- پرکردن حفره‌های دولت؛ ۸- کاهش کنش‌های شخصی امنیتی مانند قاچاق و خرید غیرقانونی اسلحه در شهرهای مرزی.	۱- افزایش امنیت و احساس امنیت در میان شهروندان؛ ۲- افزایش کیفیت زندگی شهری؛ ۳- دستیابی به امنیت گسترده و پایدار کردن فعالیت‌های پیشگیرانه جرم؛ ۴- پیشگیری اجتماعی رشد مدار جرم، از طریق فرهنگ به‌منظور فرهنگ‌سازی نسل CPTED سازی و کاربرد آتی؛ ۵- خنثی‌سازی کانون‌های جرم‌خیز کنونی؛ ۶- ممانعت و پیشگیری از بروز کانون‌های جرم‌خیز آتی.

- 1- Strengths
- 2- Opportunities
- 3- Aspirations
- 4- Result
- 5- Strategic Inquiry
- 6- Appreciative Intent



نمودار شماره (۱). تحلیل راهبردهای پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی بر اساس **SOAR** (منبع: نگارندگان).

در رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، (۶) اصل (قلمروگرایی، نظارت طبیعی، کنترل دسترسی، سخت، کردن آماج جرم، تصویر و نگهداری فضا و فعالیت‌های اجتماعی) وجود دارد. این (۶) اصل، به‌عنوان قوت‌های این رویکرد در تکنیک **SOAR** در نظر گرفته شده است و برای منفعل سازی کانون‌های جرم‌خیز در این رویکرد، (۹) فرصت وجود دارد. با توجه به قوت‌ها و فرصت‌ها، (۴۰) راهبرد ارائه شده است. برای دستیابی به نتایج مطلوب و آرمان‌های موجود مرتبط با منفعل‌سازی کانون‌های جرم‌خیز، در ادامه به دسته‌بندی راهبردهای حاصل از قوت‌ها و فرصت‌ها، بر اساس دسته‌بندی (۶) اصل رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی پرداخته می‌شود:

راهبردها با رویکرد اصل یک (قلمروگرایی)

SO1 - به‌کارگیری راهکارهای طراحی محیطی برای افزایش امکان حضور شهروندان در فضاهای مختلف شهری؛

SO2 - استفاده از محوطه‌سازی، حفاظ و نرده در طراحی شهری؛

- SO3- افزایش کیفیت محیطی و پیشگیری از مهاجرت ساکنان به محله‌های دیگر و حاشیه شهر؛
- SO4- ایجاد احساس جمعی از طریق فعالیت‌های فرهنگی مثل ورزش، جشنواره موسیقی و وقایع هنری؛
- SO5- گسترش حس مالکیت از طریق مشارکت مردم در حفظ و افزایش کیفیت فضا؛
- SO6- افزایش نظارت‌های طبیعی از طریق تمرکز و سکونت قومیت‌ها و خویشاوندان در محله‌ها؛
- SO7- به‌کارگیری راهبردهای بازدارندگی به وسیله ارگان‌های برنامه‌ریزی اجتماعی؛
- SO8- بهره‌مندی از علائم و نشانه‌ها برای خوانایی و وضوح فضا (وضوح و وفور تابلوهایی مانند نام کوچه یا محله، نقشه‌های سایت به همراه پلاک خانه‌ها و شماره تلفن برای مواقع اضطراری).
- راهبردها با رویکرد اصل دو (نظارت طبیعی)
- SO1- استفاده از نورپردازی مناسب و جلوگیری از سایه‌اندازی و به‌وجود آمدن نقاط تاریک؛
- SO2- ایجاد اختلال کاربری در خیابان و فضاهای اصلی شهر؛
- SO3- استفاده از استانداردهای مبلمان شهری مانند چراغ‌های روشنایی و تابلوهای شهری با توجه به فرم طبیعی بافت؛
- SO4- پالایش کارکردی فعالیت‌های ناسازگار و افزایش نقش‌های گردشگری، پذیرایی و فرهنگی با تکیه بر هویت کالبدی به‌ویژه رونق بخشیدن به فضاهای شهری در ایام تعطیل و شب‌ها؛
- SO5- امکان دهی به حضور انسان با تسهیلات خدماتی برای افزایش نظارت عمومی؛
- SO6- مکان‌یابی مسیرهای پیاده در محل‌هایی با نظارت اجتماعی؛

ایمن‌سازی فضاهای بی‌دفاع شهری برای پیشگیری از وقوع جرائم با تأکید بر طراحی محیطی... 153

SO7- توجه در مکان‌یابی کاشت درختان به گونه‌ای که فرصت بالا رفتن از درختان و نفوذ به ساختمان‌ها و خانه‌ها وجود نداشته باشد؛

SO8- ایجاد کارکردهای فعال در شب برای معابر و فضاهای اصلی شهری؛

SO9- تنوع کاربری خیابان‌های شهر؛

SO10- قرار دادن کیوسک‌های تلفن و روزنامه‌فروشی‌ها یا دکه‌های سیار در کانون‌های جرم‌خیز؛

SO11- قرار دادن مولدهای فعالیت مثل کیوسک‌های تلفن و روزنامه‌فروشی یا دکه‌های سیار در مجاورت زمین‌های رهاشده و بلااستفاده؛

SO12- تعریف کاربری‌های تجاری-اداری در سطح محله‌ها.

راهبردها با رویکرد اصل سه (کنترل دسترسی)

SO1- روشنایی، مهم‌ترین ویژگی شرایط آلودگی رفتاری و جرم‌خیزی در زمان (شب، تاریکی و کم نوری و توزیع نامناسب سیستم روشنایی است که بر محیط حاکم می‌شود و استفاده از پایین‌بودن امکان دیده‌شدن و اقدام به اعمال بزهکارانه است)؛

SO2- اجتناب از طراحی گوشه در مکان‌های عمومی (مانند طراحی دایره‌ای گوشه‌های پارک)؛

SO3- تعریف ورودی و خروجی برای محله‌ها؛

SO4- ایجاد کف‌سازی مناسب برای حرکت پیاده و حضور ایشان در فضای شهری؛

SO5- استفاده از زیرساخت‌های شهری مناسب در مسیرهای داخل بافت محله‌ها؛

SO6- استفاده از موانع مسدودکننده مانند دیوار، حصار و نرده؛

SO7- تعریض معابر مطابق با اصول و استانداردهای معماری و شهرسازی (علاوه بر تسهیل رفت‌وآمد در منطقه، امکان گشت‌زنی پلیس را فراهم می‌آورد و بدین‌وسیله امکان نظارت رسمی در منطقه افزایش می‌یابد).

- SO1- استفاده از درختچه‌های کوتاه در معابر و فضاهای پیاده‌رو (درختان با ارتفاع بالاتر، با سایه‌اندازی بر پیاده‌رو، فضای بی‌دفاع را برای شخص عابر به وجود می‌آورد)؛
- SO2- استفاده از مبلمان شهری با استفاده از مصالح با دوام؛
- SO3- پرهیز از ساخت گونه‌های مسکن جرم‌خیز، بلندمرتبه‌ها و تشویق به ساخت خانه‌های تک‌واحدی و خانه‌های دو تا سه طبقه (به اعتقاد «تیومن»، ساختمان‌های بلندمرتبه برای خانواده‌های با درآمد بالا و فرزندان کم، موفق عمل می‌کنند، زیرا توسط نگهبان و ابزارهای امنیتی چون دوربین‌های مداربسته و قفل‌های مخصوص، ساختمان به‌خوبی محافظت می‌شود)؛
- SO4- اجتناب از طراحی مناظر ایجادکننده نقاط کور یا مکان‌های مخفی از دید؛
- SO5- کنترل برخی اماکن خاص با دوربین‌های مداربسته.
- راهبردها با رویکرد اصل پنج (تصویر و نگهداری فضا)
- SO1- ساماندهی و بازسازی بافت فرسوده شهر؛
- SO2- ساماندهی فضاهای متروک و رهاشده، خرابه‌ها و ساختمان‌های متروک؛
- SO3- حفاظت از آسیب‌رساندن به تجهیزات شهری مانند حفاظدار کردن چراغ‌های معابر؛
- SO4- سرعت بخشیدن به امر ساخت‌وساز بناهای نیمه‌ساخته، پاک کردن دیوارنویسی‌ها و کاهش بی‌نظمی‌های کالبدی و به‌هم‌ریختگی‌های فیزیکی؛
- SO5- حذف وسایل ارتکاب جرم.
- راهبردها با رویکرد اصل شش (فعالیت‌های اجتماعی)
- SO1- مکان‌یابی و احداث مراکز انتظامی در مکان‌های جرم‌خیز؛
- SO2- پراکندگی فعالیت‌های مختلف در سطح شهر به‌صورت مناسب و جلوگیری از تمرکز آن در نقاط خاص؛
- SO3- اصلاح برنامه‌ریزی فضایی از طریق استفاده کارآمد از فضای شهری؛

در بافت‌های فشرده، با انبوهی از کاربری‌های مسکونی، تجاری و فرهنگی و ... مواجه هستیم که انبوهی از جمعیت با فرهنگ‌ها و رفتارهای متفاوت را در خود جای داده‌اند. در چنین محیط‌هایی، زمینه بسیار مساعدی برای ارتکاب جرم و نابهنجاری اجتماعی وجود دارد. امروزه تناسب بین فرم و کالبد در شهر برای ایجاد امنیت فضای عمومی حائز اهمیت است.

یافته‌های پژوهش

برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی یک مفهوم کلی است که از یک سری اصول تشکیل شده است و اجزایی دارد. مقصود از اصول برنامه‌ریزی شهری، عبارت است از عدالت، کارایی، کیفیت محیطی و حیات و سرزندگی که همواره باید در هر کدام از دخالت‌های محیطی در شهر، مدنظر باشند. منظور از اجزاء یا زیرمجموعه‌های برنامه‌ریزی شهری عبارت است از طراحی شهری، برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری و حتی معماری و طراحی محیطی شهری که مجموعه آن‌ها، یک کلیت و هویت بزرگ‌تری به نام برنامه‌ریزی شهری را تشکیل می‌دهند.

شهرسازی اصولی می‌تواند شکل و خصوصیات محیط را به‌گونه‌ای تغییر دهد که شرایط را برای زندگی مطلوب شهروندان فراهم سازد، امنیت را در محیط برقرار سازد و محیط را برای مجرمان ناامن کند؛ زیرا مجرمان بالقوه برای آنکه بتوانند فکر و قصد مجرمانه خود را به مرحله بروز برسانند، نیازمند شرایط مناسب محیطی هستند و تا این شرایط فراهم نباشد، ارتکاب جرم برای آن‌ها سخت خواهد بود. این بدان معنی است که انگیزه اولیه برای مجرم، کفایت نمی‌کند، بلکه مجرم بالقوه نیازمند شرایط محیطی مناسبی است تا به واسطه وجود آن شرایط، امنیت خود را تضمین کند، میزان خطر دستگیری را کاهش دهد و آسان‌تر و سریع‌تر به هدف خود دست یابد. برای نمونه، بروز جرم‌هایی مانند دعوای خیابانی، زورگیری، کیف‌قاپی، تخریب و وندالیسم شهری، فروش مواد مخدر و سرقت به عنف نیازمند شرایط محیطی زیر است:

معايير از لحاظ روشنایی و میزان نور ضعیف، نظارت کم و به هم ریختگی بصری و شلوغی فضا؛

- عدم نظارت افراد محلی و ایجاد شرایط امنیت روانی برای مجرمین بالقوه؛
- تاریکی مکان به اندازه‌ای که بتوان به راحتی از منظر و دید عموم (ساکنان و یا عابران) در امان ماند؛
- مراقبت ناکافی از مکان، لوازم و تجهیزات موجود در آن به نحوی که مجرم بالقوه احساس کند این مکان و فضا، مالکی ندارد که بخواهد از آن مراقبت کند؛ از این رو انگیزه وی برای ارتکاب جرم بیشتر شود.
- فضا و مکان تمیز و سالم نباشد. در این حالت، مجرم بالقوه لذت خواهد برد که در فضا جولان دهد؛ چون درمی‌یابد که مراقب خاصی اعم از رسمی و غیررسمی برای آن فضا وجود ندارد.
- ورود از یک فضا به فضای دیگر، به راحتی و بدون وجود هیچ‌گونه مانع خاصی انجام گیرد. البته مقصود از مانع، الزاماً موانع فیزیکی نیست که سدکننده مسیر برای مجرم بالقوه باشد. در بسیاری از مواقع، علائم و نمادها، رنگ‌ها و نشانه‌ها می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که فرد در حال ورود به یک محوطه و فضای جدید است. از این رو قلمرو فضای عمومی را از نیمه عمومی و قلمرو فضای نیمه عمومی را از فضای اختصاصی جدا می‌سازد. در حالت و شرایطی از محیط که مجرم بالقوه، شاهد مرز و تعیین قلمرو نباشد؛ بی‌پروا پا به قلمرو هر مالکیتی گذاشته و احتمال ارتکاب جرم برایش وجود خواهد داشت.
- از این رو، یافته‌ها نشان می‌دهد طراحی محیطی مناسب، ایجاد بستر مناسب به منظور نظارت بصری و محیطی، نظارت مداوم بر ساخت و سازها مطابق با طرح‌های توسعه شهری و طرح تفصیلی، توجه به اصول و ضوابط شهرسازی و معماری شهر در بعد امنیتی، توجه به ایمنی و امنیت در طراحی محله‌های شهری و مکان‌یابی کاربری‌های شهر، جلوگیری از ازدحام و شلوغی در برخی نقاط خاص که نظارت کافی وجود ندارد، توجه به نور، رنگ‌ها، فاصله، ارتفاع و حجم‌ها برای طراحی محیطی فضاهای شهری برای

ایمن‌سازی فضاهای بی‌دفاع شهری برای پیشگیری از وقوع جرائم با تأکید بر طراحی محیطی... 157

پیشگیری از جرائم و از بین بردن فضاهای بی‌دفاع از مهم‌ترین راهبردها و یافته‌های این پژوهش می‌باشند و می‌توان احتمال ارتکاب جرم را با آن‌ها کاهش داد.

نتیجه‌گیری

در دهه‌های اخیر با گسترش شهرنشینی و پیدایش مراکز ناهمگن جمعیتی، انواع مسائل شهری از جمله افزایش رفتارهای ضداجتماعی و خشونت‌بار را نیز در شهرها شاهد هستیم. در واقع شهرنشینی، فرصت بیشتری را برای هنجارشکنی فراهم کرده است. بررسی مشخصات کالبدی، نوع کاربری اراضی و کارکردهای اصلی این مکان‌ها و سعی در ایجاد تغییرات بنیادی در عوامل به وجود آورنده و تسهیل‌کننده فرصت‌های جرم و طراحی فضاهای کالبدی مقاوم در برابر ناهنجاری، بیش‌ازپیش اهمیت یافته تا بدین‌وسیله، امکان کنترل، پیشگیری و کاهش نرخ ناهنجاری‌های شهری فراهم آید.

در واقع می‌توان گفت برخی مشخصات کالبدی و اجتماعی در وقوع جرم مؤثر هستند. با تغییر ساختار فضا، اعم از نحوه نورپردازی معابر، وجود مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت، طراحی مناسب ساختمان‌ها و شهرسازی با برنامه، طراحی و مهندسی مناسب محیط و منظر، همچنین حضور و نظارت پلیس و به‌کارگیری تجهیزات، ابزار و فناوری‌های نوین نظارتی در مقاطع زمانی خاصی بر یک مکان ویژه، می‌توان از وقوع بزهکاری و جرائم مختلف شهری پیشگیری کرد. از آنجاکه عوامل و نوع فضای محیطی باعث ایجاد انگیزه، رغبت، کشش و قصد مجرمانه در فرد می‌شوند؛ برنامه‌ریزی و طراحی صحیح شهری برای پیشگیری از جرم، یکی از راه‌حل‌های ضروری در امر پیشگیری از جرائم شهری است و موجب منفعل‌سازی کانون‌های جرم‌خیز می‌شود. رعایت این اصول می‌تواند احساس امنیت شهروندان را افزایش دهد و سبب افزایش رفاه‌عمومی در شهرها شود. در این راستا، نقش سیاست‌گذاران و متخصصان طراحی شهری را در ایمن‌سازی و طراحی فضاهای بی‌دفاع شهری و نقش آن در کاهش وقوع جرائم شهری و ایجاد محیط‌هایی امن را نمی‌توان نادیده گرفت. رویکرد طراحی فضاهای بی‌دفاع شهری نیز مانند رویکرد پلیس جامعه‌محور، حل مسئله را از طریق همکاری تنگاتنگ با مردم، اساس کار خود قرار داده است.

نتایج پژوهش نشان داد بر اساس رویکرد پیشگیری و کاهش وقوع جرائم شهری از ایمن‌سازی و طراحی فضاهای بی‌دفاع شهری، طراحی و استفاده مناسب از محیط ساخته‌شده، می‌تواند باعث کاهش ترس و وحشت از جرم و فعال‌سازی کانون‌های جرم‌خیز شود و بر اساس تکنیک به کار گرفته شده، این رویکرد دارای نقاط (قوت، فرصت، آرمان و نتیجه) است. قوت‌ها، اصول (۶) گانه رویکرد مذکور می‌باشند که با استفاده از قوت‌ها و فرصت‌ها، (۴۰) راهبرد به‌منظور دستیابی به نتایج و آرمان‌های منفعل‌سازی کانون‌های جرم‌خیز ارائه شد. (۹) راهبرد در اصل قلمروگرایی، (۱۱) راهبرد در اصل نظارت طبیعی، (۱۲) راهبرد در اصل کنترل دسترسی، (۴) راهبرد در اصل تصویر و نگهداری فضا و (۴) راهبرد در اصل فعالیت‌های اجتماعی به‌دست آمد؛ و در نهایت در این پژوهش برای ایمن‌سازی فضاهای بی‌دفاع شهری به‌منظور پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی بر فرصت‌هایی که محیط در اختیار مجرمین قرار می‌دهد، تأکید می‌شود و جرائم گوناگون را ناشی از فرصت‌های محیطی دانند؛ و برای بهبود کاهش وقوع جرائم شهری بر راهکارهایی چون ایجاد فضاهای قابل دفاع، کنترل دسترسی، بهبود سیستم روشنایی عمومی شهرها، ایجاد فضاهای قابل نظارت، پرهیز از طراحی شهرها به‌صورت شطرنجی، نظارت شهرداری بر تأسیسات و امکانات، توزیع متعادل کاربری‌ها و توجه به کاربری اراضی شهر و مکان‌یابی کاربری‌ها، سازگاری کاربری‌های شهری، استفاده از دوربین‌های مداربسته و ... تأکید می‌شود. همچنین در خصوص بافت‌های ناکارآمد و فرسوده شهری که مستعد وقوع جرم است، به‌جای تخریب، بر فرآیند اصالت‌بخشی، هویت‌بخشی و احیاء دوباره این نواحی اعتبار بیشتری باید قائل شد.

پیشنهادها

- ساماندهی محصوریت خیابان مطهری شهر یاسوج از محدوده میدان هفتم‌تیر تا انتقال خون و جلوگیری از غافلگیرکنندگی فضا با تغییرات ناگهانی در میزان محصوریت خیابان و مقیاس ساختمان‌ها؛

- پرهیز از طراحی و اصلاح ساختمان‌هایی با شکل‌ها و تناسب نامتعارف در بدنه خیابان‌های مطهری، بلوار عدل، خیابان فردوسی، خیابان سینما، طالقانی و بلوار کشاورز که احساس عدم تعادل و نبود ثبات کالبدی را القاء می‌کنند؛
- استفاده از بدنه‌های فاقد گوشه‌های مخفی به‌منظور ممانعت از وقوع جرم و خشونت در اکثر معابر و محله‌های شهری که شاهد نابرابری فرم و بدنه کاربری‌ها و فضاهای U شکل و L شکل هستیم؛
 - مکان‌یابی صحیح کاربری‌ها از جمله تلافروشی‌ها، تعمیرات موبایل و دیگر کاربری‌هایی که تمرکز آن‌ها باعث ازدحام و ترافیک و ایجاد تنش می‌شود؛
 - بازسازی پارک‌های محله‌ای، دیوارنویسی‌ها، مکان‌های خشن که وندالیسم شهری به‌وفور در آن‌ها قابل‌رؤیت است؛
 - استقرار کیوسک‌های انتظامی در محله‌های شهرک امام‌حسین (ع)، بنسجان، شهرک ولایت و ... برای نظارت بر محله و آموزش ایمنی‌های لازم به ساکنین مجتمع‌های مسکونی و ارائه نظرات کارشناسی انتظامی از بعد امنیتی، نظارتی و ترافیکی قبل از ایجاد مجتمع‌های مسکونی و تجاری در شهر؛
 - کاهش محدودیت فرصت‌های نظارتی در اکثر محله‌ها و معابر شهری ناامن، با تعبیه و افزایش فرصت‌های نظارتی مانند پنجره، درب و بالکن‌های مشرف به فضاها و کاهش موانع فیزیکی مانند درختان پرشاخ و برگ؛
 - آموزش و آگاه‌سازی متخصصان، برنامه‌ریزان شهری و نیروی انتظامی، در خصوص پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی؛
 - توجه معماران، طراحان و کارشناسان شهرسازی شهرداری و نظام‌مهندسی استان به پلان‌های مجتمع‌های مسکونی برای جلوگیری از ایجاد فضاهای پرت، کنج‌ها، فضاهای U شکل و L شکل و دیگر عقب‌رفتگی‌ها و نماهای تاریک و بی‌روح شهر؛
 - تشکیل شوراهای محله‌ای برای پیشگیری از ناامنی و تبدیل فضاهای بی‌دفاع به فضاهای قابل دفاع و شناسایی، رفع معضلات اجتماعی محله‌ها و رفع نیازهای محله که منجر به ایجاد ناهنجاری‌های شهری می‌شود؛

• تشکیل مرکز خودگردان جمعی برای حل مشکلات محله و کنترل ورود افراد عربیبه

به محله‌های شهر؛

• مشارکت شورای محله، شورای شهر، شهرداری و سازمان‌های داوطلبانه (سازمان‌های مردم‌نهاد در مسائل اجتماعی و مسائل مربوط به زنان و کودکان) به‌عنوان بازوی اجرایی مدیران شهر و نیروی انتظامی با کمترین هزینه و جلب مشارکت اجتماعی مردم؛

• خارج کردن کاربری‌های خطرناک و پرسروصدا، نظیر تعمیرگاه‌ها، نجاری‌ها، مکانیکی‌ها و ... از محیط‌های مسکونی به‌ویژه محله‌های بنسنگان، بلوار عدل و بلوار مطهری محدوده جهاد کشاورزی؛

• تدوین آیین‌نامه و اصول طراحی کالبدی فضای شهری در رابطه با ساختمان‌ها و نسبت میان آن‌ها؛ زیرا حجم و فاصله میان ساختمان‌ها، مسیرها و کریدورهای بصری، قرارگیری محل دسترسی به سایت‌ها و مجتمع‌های مسکونی، نحوه دسترسی همگانی و حتی مکان‌یابی و استقرار کاربری‌ها در شهر در میزان و نوع جرمی که احتمال دارد در آن‌ها یا به واسطه آن‌ها، وقوع یابد تأثیر دارد؛

• تدوین معیارهای طراحی با توجه به شرایط فرهنگی و مقتضیات اجتماعی و روان‌شناختی شهروندان یاسوج؛

• ارائه واحدهای آموزشی پیشگیری از جرم در طراحی شهری برای دانشجویان شهرسازی و معماری.

- احمدی، حبیب (۱۳۷۷). نظریه‌های انحرافات اجتماعی. شیراز: انتشارات زر.
- بیانلو، یوسف؛ منصوریان، محمدکریم (۱۳۸۵). رابطه تراکم جمعیت با میزان و نوع جرم. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال (۶)، شماره (۲۲).
- پورجعفر، محمدرضا؛ محمودی‌نژاد، هادی؛ رفیعیان، مجتبی؛ انصاری، مجتبی (۱۳۷۸). ارتقاء امنیت محیطی و کاهش جرائم شهری با تأکید بر پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (نشریه بین‌المللی علوم مهندسی، ویژه نامه مهندسی معماری و شهرسازی، شماره (۶)، ص ۷۳-۸۲).
- خاوریان، گرمسیر؛ استاورس، ژاکلین ام؛ علیان، مهدی (۱۳۹۲). برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری شهری با استفاده از مدل استراتژیک SOAR، نمونه موردی: شهر تفت. مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، سال (۱۷)، شماره (۳)، ص ۱۲۷-۱۴۳.
- دهقان، فاطمه؛ مندگاری، کاظم (۱۳۸۹). تأمین بافت‌های تاریخی و با ارزش ادای حق شهروندی و راهی به سوی تجدید حیات. فصلنامه آبادی، سال (۲۰)، شماره (۶۷)، ص ۵۲-۶۴.
- رضازاده، راضیه؛ خبیر، سولماز (۱۳۸۹). بررسی رویکردهای موقعیتی پیشگیری از جرم از منظر معماران و طراحان شهری. فصلنامه آبادی، سال (۲۰)، شماره (۳۱)، ص ۳۲-۵۸.
- صالحی، اسماعیل (۱۳۸۸). نقش شهرسازی (نظریه محیطی) در پیشگیری از رفتارهای ناهنجار شهری. نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره (۳۹).
- فتحی، میلاد؛ جهدی، نوید؛ رئوف، محمدمهدی (۱۳۹۱). شناخت عوامل مؤثر در ایجاد فضاهای امن شهری و ارتقاء امنیت کالبدی با پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی. همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها. زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- لنگ، جان (۱۳۸۳). آفرینش نظریه معماری، ترجمه: علیرضا عینی‌فر. تهران: دانشگاه تهران.
- محسنی، رضاعلی و همکاران (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی رابطه بین فضاهای بی‌دفاع شهری با خشونت‌های شهری، مورد مطالعه: شهر تهران. دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال (۵)، شماره (۹)، ص ۱۲۷.
- محمدی ده چشمه، مصطفی، (۱۳۹۲). ایمنی و پدافند غیرعامل شهری. اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران.
- محمودی‌جانکی، فیروز؛ فورچی بیگی، مجید (۱۳۸۸). نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم. فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال (۳۹)، شماره (۲)، ص ۳۴۸-۳۵۵.

مرصایی، رضا (۱۳۸۱). طراحی ابزار مقابله با تخریب کرایبی در محیط شهری. مجله شهرداری ها، سال (۳)، شماره (۲۵)، ص (۱۲-۱۷).

- موسسه برنامه ریزی سرکیسیان (۱۳۹۰). طراحی شهری و پیشگیری بزهکاری، ترجمه: حسن کلاتری و ابوذر سلامی بیرامی. زنجان: نشر آذر کلک.
- نایبی، هوشنگ؛ صدیق سروستانی، رحمت اله؛ فهروانی، سهراب (۱۳۹۰). نقش فضاهای بی دفاع شهری در رفتارهای خشونت آمیز. فصلنامه دانش انتظامی، دوره (۱۳)، شماره (۱)، مسلسل (۵۰).
- نویدنیا، منیژه، (۱۳۸۸). چندگانگی امنیت: امنیت ملی، عمومی و امنیت اجتماعی. فصلنامه مطالعات و امنیت اجتماعی، شماره (۳۵)، شماره (۲) و (۳). تهران: نشریه معاونت اجتماعی ناجا.
- Atlas, Randall I (2008). 21st century security and CPTED: designing for critical infrastructure protection and crime prevention, auerbach publications.
- Atlas, Randall, Environmental Design that Prevents Crime, the construction specifier, Atlas Safety & Security Design. Santamonica, 1999.
- Cleveland, G., & Saville, G. (2003, June). Introduction to 2nd Generation CPTED-Part 2. CPTED perspective: The International CPTED Association Newsletter, pp. 4-6.
- Cozens, P. M., Saville, G., & Hillier, D. (2005). Crime prevention through environmental design (CPTED): a review and modern bibliography. Property Management, 328-344.
- Cutler, D, E. Glaeser and J. Vigdor, 2010, The Rise and Decline of the American Ghetto National Bureau of Economic Research, Working Paper 5881, Cambridge, MA.
- Davidson, R N, Crime and Environment. St. Martin's Press, New York. Economy, 76, 169-217, 1981.
- Harries, K D, The Geography of Crime and Justice. McGraw-Hill, New York, 1974.
- Pyle, G, The Spatial Dynamics of Crime. University of Chicago Press, Chicago, 1974.
- Robinson, Matthew, The Theoretical of CPTED 25 years of Responses to C. Ray Jeffry, edited by: William Aufer and Freda Adler, Appalachian State University-Department of Political Science and Criminal Justice, 1996.
- Timothy, C. and O'Shea. (2006). Physical deterioration, disorder, and crime. university of south labama.
- UN habitat, 2009, Strategic plan for safer cities 2008-2013, summary document.
- Van den Berg, Leo, 2013, The safe city: safety and urban development in Europe cities, Ashgate publishing company.
- White, Rob. And Sutton, Adam. (1995). crime prevention, urban space and social exclusion. Department of criminology. university of Melbourne.